



و مؤسسه‌ها و بانک‌های اروپایی رغبتی به ماندن در ایران و ادامه رابطه با آن نشان دادند و نه حتی کانال مالی ایران و اروپا با ابعدادی که روی کاغذ تعریف شده بود برای ایران کار کرد.

با وجود این، مسئولان وقت با اتخاذ سیاست «صبر راهبردی» در حالی که محدودیت‌ها را به کشور تحمیل کردند و هیچ عوایدی را به همراه نیاوردند، روابط کج دارومریز خود را ذیل این برجام ادامه دادند. مجلس وقت نیز که در سیاست خارجی با دولت شریک بود، کاری از پیش نبرد تا آنکه بالاخره با تغییر ترکیب مجلس و روی کار آمدن بخشی از جریان انقلابی در قوه مقننه با تصویب طرح «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران»، جمهوری اسلامی را از انفعال تحمیلی دولت خود رها کردند و توانستند معادلات جدیدی را برای خروج از این وضعیت، شکل بدهند.

### مذاکرات احیای برجام

دولت آمریکا چنان در اجرای سیاست تحریمی خود علیه ایران همه ممنوعه‌ها را نادیده گرفته بود که وقتی جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا تلویحاً خواستار بازگشت به برجام شد، دیگر معلوم نبود که این بازگشت تا چه اندازه می‌توانست برای ایران کارگشا باشد. رهبر معظم انقلاب درباره ابراز تمایل آمریکا برای بازگشت به برجام این چنین گفتند: «اگر آمریکا بخواهد بدون رفع تحریم‌ها به برجام برگردد موجب «باج‌خواهی» است؛ چراکه در برابر هر تحریمی که بخواهد رفع کند، خواسته‌ای

دیگر معلوم شده بود که سیاست وقت‌کنشی به امید تغییر شرایط که بیش از ۲ سال از سوی دولت حسن روحانی دنبال شد (از خرداد ۹۷ و خروج آمریکا از برجام تا آذر ۹۹ و تصویب قانون مجلس)، نتیجه‌ای را به وجود نخواهد آورد

را مطرح خواهد کرد و این اقدام عاقلانه نیست؛ بنابراین راه صحیح این است که قبل از اینکه بخواهد به برجام برگردد تمام تحریم‌هایی که بعد از امضای برجام در قالب دستورات اجرایی رئیس‌جمهور وضع شده است؛ اعم از اینکه مربوط به هسته‌ای باشد یا برچسب‌های تروریسم و حقوق بشر داشته باشد، بردارد.»

دولت «بایدن» بعد از آغاز به کار با تأخیری چند ماهه تصمیم خود را برای بازگشت به توافق هسته‌ای اعلام کرد. این درحالی بود که مقام‌های آمریکایی بدون شفاف‌سازی ابعاد اجرایی کردن این تصمیم، دیپلمات‌های خود را به وین فرستادند تا در حاشیه مذاکراتی که کشورهای ایران و ۴۰۱ از اواسط فروردین ماه سال جاری در وین آغاز کرده بودند، حضور یابند. در پی آغاز این گفت‌وگوها، ۶ دور مذاکره در شهر وین انجام شد که در نهایت به یک پیش‌نویس بحث برانگیز انجامید. کشورهای طرف مقابل در این پیش‌نویس، خواسته‌های فرابرجامی خود را در تفاهم احتمالی جای داده بودند. افزودن بندی که کل تفاهم را به پذیرش انجام گفت‌وگوهای آتی در مورد مسائل غیرهسته‌ای گره می‌زد، از جمله این تلاش‌ها بود. اقدامی که هدف از آن، گنجانیدن این موضوعات به‌عنوان جزئی لاینفک از تفاهم هسته‌ای بود تا از این طریق زمینه را برای مداخله در حوزه‌های مربوطه فراهم کنند و در صورتی که به اهداف خود نرسیدند، امکان ایجاد فشار بر ایران را به بهانه‌های دیگر داشته

باشند.

نپذیرفتن لغو دستور اجرایی تحریم تسلیحات متعارف که کاملاً با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام و ادعای آمریکا به برگشت تعهدات برجامی مغایر بود از دیگر موضوعاتی بود که در پایان ۶ دور مذاکره در دولت پیشین حل نشده باقی مانده بود. خودداری از پذیرش برای ارائه تضمین در خصوص عدم تکرار رفتارهای مشابه دولت قبل در قبال تفاهم هسته‌ای هم از دیگر مشکلات موجود بود که طرف‌های مقابل حتی حاضر نشدند برای دنظرگرفتن ملاحظات ایران، دوره زمانی معقولی را به منظور تداوم کار شرکت‌هایی که با ایران وارد تجارت و کار اقتصادی می‌شوند، در نظر بگیرند تا در صورت بروز هر مشکلی برای تفاهم احتمالی، کار خود را بدون دغدغه از مجازات‌های فراسرزمینی واشنگتن به پایان برسانند.

### پیش‌نویس جدید

دیگر معلوم شده بود که سیاست وقت‌کنشی به امید تغییر شرایط که بیش از ۲ سال از سوی دولت حسن روحانی دنبال شد (از خرداد ۹۷ و خروج آمریکا از برجام تا آذر ۹۹ و تصویب قانون مجلس)، نتیجه‌ای را به وجود نخواهد آورد. روی کار آمدن دولت سیزدهم در ایران که عزم خود را برای اجرای کامل قانون مجلس جزم کرده بود، در کنار یافتن امکان‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها و قرار گرفتن در موقعیتی که ایران می‌توانست همچنان نفت خود را بفروشد، اهم مؤثری را به وجود

آورد تا این بار واشنگتن چاره‌ای جز در بازگشت به توافق هسته‌ای نداشته باشد.

در همین حال هفتمین دور مذاکرات پس از وقفه‌ای شماهه در دولت سیزدهم آغاز شد و هیأت جدید به ریاست علی باقری، معاون سیاسی وزارت امور خارجه با تیمی که طیف گسترده‌ای از کارشناسان نهادهای مختلف اقتصادی را شامل می‌شد، رهسپار وین شدند. این‌گونه گفته «میخائیل اولیانوف»، نماینده روسیه که «مذاکرات آغاز موفقیت‌آمیزی داشت و شرکت‌کنندگان در خصوص اقدامات فوری بیشتر به توافق رسیدند»، در همان آغاز کار نشان داد که پیش‌بینی جریان‌های سیاسی رقیب از ناکامی احتمالی رویکرد دولت سیزدهم در مذاکرات تا چه اندازه دور از واقعیت بوده است. این چنین بود که ایران و ۴ کشور با حضور غیرمستقیم آمریکا در ادامه و در خلال مذاکرات یکم دسامبر (۱۰ آذر) و ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) درباره پیش‌نویس جدیدی به تفاهم رسیدند که عملاً خواسته‌های فرابرجامی را حذف و گفت‌وگوهای وین را به موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران منحصر می‌کرد.

موافقت آمریکا با لغو تحریم‌ها و شفاف‌سازی پیامدهای پیدا و پنهان این فرمان بر مناسبات مالی و تجاری مؤسسات و نهادهای ایران در خارج از کشور، تنها راه ممکن برای تسهیل مسیر مذاکرات بود. نتیجه نخست این امر باید رفع مؤثر همه تحریم‌ها و به تبع آن فروش آزادانه نفت و فرآورده‌های